

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه قم

دانشکده پردیس دانشگاهی

رساله دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی مبانی فقهی حقوقی اعاده حیثیت

استاد راهنما:

دکتر محمدنوذری فردوسیبه

استاد مشاور:

دکتر عبدالله امیدی فرد

نگارنده:

فرانک حیدری دهاقانی

زمستان ۱۳۹۹

تاریخ: ۹۶۱۲۱۷
شماره: ۱۲۸۸

بیت

« صورت جلسه دفاع از رساله دکتری تخصصی » پیوست:

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) جلسه دفاعیه رساله جناب خانم فراتنگ جیندری دهقانی به شماره دانشجویی ۹۴۸۵۰۶۲۰۰۳ دوره پردیس خودگردان رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

تحت عنوان بررسی مبانی فقهی حقوقی اعاده حیثیت

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ تشکیل گردید. در این جلسه رساله مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت. قرار نگرفت و نامبرده نمره باعدد ۱۸۴۵ باحرف حجیره دریم با درجه عالی خیلی خوب خوب متوسط مردود دریافت نمود.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم



نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
محمد نوذری فرحوسیه	استاد راهنما	استادیار	
عبدالله امیدی فرد	استاد مشاور	دانشیار	
علیرضا رستمی قنص آبادی	استاد ناظر	استادیار	
محمود بیوم زاده خراتقی	استاد ناظر خارجی	استاد	
علیرضا ابراهیمی	ناظر رساله و نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر خدمات آموزشی:
معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده:

از روشنی نمره رساله بر اساس این نامه مکتوبی به شرح زیر تکمیر می شود:
۰ مرتبه (کلاس از ۱۴)
۰ خوب (۱۶ - ۱۷/۹۹)
۰ خیلی خوب (۱۸ - ۱۸/۹۹)
۰ عالی (۱۹ - ۲۰)

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

نشانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۱۱
تلفن: ۳۲۸۵۳۱۱
دورنویس:
معاونت آموزشی: ۳۲۸۵۵۶۸۴
معاونت اداری: ۳۲۸۵۵۶۸۲
معاونت دانشجویی: ۳۲۸۵۵۶۸۸

تقدیر و تشکر

سپاس بی‌کران پروردگار یکتار را که هستی‌مان بخشید،

و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود،

و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌مان ساخت.

از استاد با کمالات و شایسته جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نوذری

که در کمال سعه صدر با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه دریغ ننموده‌اند

و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند،

و همچنین جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر امیدفرد

که زحمت مشاوره این رساله را متقبل شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

هدف از اعاده حیثیت بازگرداندن اعتبار، آبرو و حقوق سلب شده از بزه‌دیدگان و بازاجتماعی کردن مجرمین و رفع کلیه محرومیت‌های اجتماعی و آثار ناشی از محکومیت قطعی کیفری پس از اجرای مجازات و بازگرداندن او به زندگی شرافتمندانه است. از دیدگاه فقها با توجه به منابع فقه اسلامی اعاده حیثیت افراد امری ضروری است. زیرا از برخی آیات قرآن کریم، اعاده حیثیت فردی که به ناروا مورد هتک قرار گرفته است، قابل استفاده است. از مجموع روایات نیز چنین استنباط می‌شود که سرزنش کردن و رسوا نمودن، عیب جویی کردن و نکوهش کردن مؤمن و انتشار اخباری که باعث سرشکستگی و هتک حیثیت او می‌شود، نهی شده است. و از دیدگاه عقلا، ضرر و زیانی که به عرض اشخاص وارد می‌شود، براساس قاعده لاضرر باید با اعاده حیثیت شخص جبران گردد. حقوق دانان نیز بر ضرورت اعاده حیثیت از بزه‌دیدگان و مجرمین اتفاق نظر دارند. آنان، حکومت را مسئول اعاده حیثیت افرادی می‌دانند که به حیثیت و آبروی ایشان خسارت وارد شده است که این مسئولیت گاهی به صورت مستقیم، الزاماتی را متوجه نهادهای حکومتی، از جمله مدعی‌العموم می‌کند و گاه دستگاه‌های حکومتی را بر آن می‌دارد فرد یا گروه‌هایی را ملزم به ایفای کارهایی در جهت جبران خسارتی که با طرح اتهامات ناروا علیه اشخاص به ایشان وارد ساخته‌اند، نماید. این پژوهش به روش گردآوری کتابخانه‌ای و با روشی تحلیلی توصیفی به این نتیجه رسیده است که براساس منابع فقهی و حقوقی اعاده حیثیت امری ضروری و از وظایف حاکمیت است.

واژگان کلیدی: اعاده حیثیت، محکومیت، مجازات تبعی، حکومت، محکوم، متهم

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: مفاهیم و کلیات	
۱-۱. واژه شناسی.....	۸
۱-۱-۱. معنای لغوی اعاده حیثیت.....	۸
۱-۱-۲. بررسی مفهومی اعاده حیثیت (عرفی - اصطلاحی).....	۹
۱-۱-۳. اعاده حیثیت در اصطلاح حقوقی.....	۱۰
۱-۱-۴. تفاوت دو کاربرد عام و خاص اعاده حیثیت.....	۱۲
۱-۱-۵. اقسام اعاده حیثیت به معنای خاص حقوقی.....	۱۲
۱-۱-۶. مجازات های تبعی (محرومیت از حقوق اجتماعی).....	۱۳
۱-۱-۷. محکومیت موثر.....	۱۵
۱-۱-۸. غیبت.....	۱۶
۱-۱-۹. متهم کیست؟.....	۱۷
۱-۱-۱۰. توهین.....	۱۸
۱-۱-۱۱. افترا.....	۱۸
۱-۱-۱۲. قذف.....	۱۹
۱-۱-۱۳. مجرم.....	۲۰
۱-۲. تاریخچه اعاده حیثیت.....	۲۲
۱-۲-۱. نحوه انعکاس اعاده حیثیت در قوانین ایران.....	۲۴
۱-۳. حق یا حکم بودن اعاده حیثیت.....	۳۰
فصل دوم: مبانی فقهی اعاده حیثیت عام	
۲-۱. قرآن کریم.....	۳۶
۲-۱-۱. یوسف (ع) خواهان اعاده حیثیت و آبرویش از پادشاه مصر.....	۳۶
۲-۱-۱-۱. وجه استدلال.....	۳۸
۲-۱-۲. خدا اعاده کننده آبروی همسر پیامبر (ص).....	۳۹
۲-۱-۳. اهتمام ویژه خدا به حفظ آبروی مؤمنان.....	۴۴
۲-۱-۳-۱. وجه استدلال.....	۴۷
۲-۱-۴. نهی از مسخره کردن دیگران.....	۴۸
۲-۱-۴-۱. وجه استدلال.....	۵۱
۲-۱-۵. نهی از گمان بد.....	۵۲
۲-۱-۵-۱. وجه استدلال.....	۵۷
۲-۱-۶. عیب جویی از دیگران.....	۶۰

۶۱	۲-۱-۷. لزوم اعاده حیثیت در قذف.....
۶۳	۲-۱-۷-۱ وجه استدلال موضوع.....
۶۴	۲-۱-۸. جواز اعاده حیثیت.....
۶۷	۲-۱-۹. آثارهتک آبرو.....
۶۹	۲-۱-۱۰. عوامل زوال حیثیت و آبرو.....
۷۲	۲-۱-۱۱. تعرض به مهمان.....
۷۴	۲-۱-۱۱-۱. وجه استدلال.....
۷۵	۲-۲. بررسی اعاده حیثیت عام از دیدگاه روایات.....
۷۵	۲-۲-۱. آزار و اذیت کردن مؤمن.....
۷۵	۲-۲-۲. دلیل و کوچک کردن مؤمن.....
۷۶	۲-۲-۳. سرزنش کردن و رسوا نمودن مؤمن.....
۷۷	۲-۲-۴. لزوم حفظ آبرو و حیثیت مؤمن.....
۷۸	۲-۲-۵. تهمت و بهتان و غیبت.....
۷۹	۲-۲-۶. استهزاء و سخریه.....
۷۹	۲-۳. اجماع.....
۸۰	۲-۴. دلیل عقل و سیره عقلا.....
۸۰	۲-۵. قاعده لاضرر.....
۸۳	۲-۶. قاعده ضمان ید.....

فصل سوم: مبانی حقوقی اعاده حیثیت خاص

۸۶	۳-۱. اعاده حیثیت خاص.....
۸۶	۳-۱-۱. نقش رسیدگی قضایی در هتک حیثیت متهمان.....
۸۹	۳-۱-۲. مشترک بودن متهمان تبرئه شده و محکومان به اشتباه در این بحث.....
۹۱	۳-۱-۳. دلایل لزوم اعاده حیثیت به متهمان تبرئه شده و محکومان به اشتباه.....
۹۲	۳-۱-۳-۱. حکم به براءت و آثار آن.....
۹۲	۳-۱-۳-۱-۱. آثار براءت.....
۹۲	۳-۱-۳-۱-۱-۱. رفع اتهام (زوال شبهه).....
۹۴	۳-۱-۳-۱-۱-۲. ممنوع بودن اعمال محدودیت‌های زمان اتهام (قرارهای تامین).....
۹۵	۳-۱-۳-۱-۱-۳. بازگشت شخص به وضعیت قبل از اتهام از نظر احکام شرعی.....
۹۵	۳-۱-۳-۱-۱-۴. بازگشت شخص به وضعیت قبل از اتهام از نظر رفع آسیب‌های اتهام بر وی.....
۹۸	۳-۱-۳-۲. شمول ادله مربوط به اشتباه قاضی.....
۱۰۱	۳-۱-۳-۳. انقضای اثر حکم ظاهری.....
۱۰۲	۳-۱-۳-۴. ادله مسئولیت مرتکبان تهمت و افترا.....
۱۰۳	۳-۱-۴. شمول کفاره در موارد نقض حق الناس.....

- ۱۰۵ ۳-۱-۴-۱ امکان توسعه و تنقیح منط ادله مرتبط با غیبت
- ۱۰۶ ۳-۱-۴-۲ برخی روایات وادله خاص بامضمون عام
- ۱۰۹ ۳-۱-۳-۵ عدالت وظیفه حکومت
- ۱۱۲ ۳-۱-۳-۶ ادله مربوط به وجوب نقض احکام باطل

فصل چهارم: چگونگی، راهکارها و آثار اعاده حیثیت

- ۱۱۷ ۴-۱ نحوه اعاده حیثیت
- ۱۱۷ ۴-۱-۱ اعلام عمومی
- ۱۱۸ ۴-۱-۱-۱ استفاده از روش اعلام به منظور اعاده حیثیت به متهمان تبرئه شده
- ۱۲۲ ۴-۱-۱-۲ ضوابط و شرایط اعلام عمومی به منظور اعاده حیثیت
- ۱۲۶ ۴-۱-۱-۳ نهاد حاکمیت و اعلام عمومی
- ۱۲۶ ۴-۱-۲ مجازات شخصی که اقدام به طرح اتهام کرده است
- ۱۲۷ ۴-۱-۲-۱ مستند شرعی مجازات
- ۱۳۱ ۴-۱-۲-۲ نحوه طرح مجازات مرتکبان تهمت وافترا در قوانین
- ۱۳۳ ۴-۱-۳ اقدامات ترمیمی
- ۱۳۴ ۴-۱-۳-۱ دلجویی شخص زیان دیده
- ۱۳۶ ۴-۱-۳-۲ کمک به ارتقای موقعیت اجتماعی
- ۱۳۸ ۴-۱-۴ جلوگیری از تاثیر منفی رسیدگی قضایی
- ۱۳۹ ۴-۱-۴-۱ ضرورت جلوگیری از تاثیر منفی رسیدگی قضایی
- ۱۴۰ ۴-۱-۴-۲ دلایل این ادعا
- ۱۴۰ ۴-۱-۴-۲-۱ حرمت ظلم
- ۱۴۱ ۴-۱-۴-۲-۲ ادله وجوب خیرخواهی نسبت به برادر مومن
- ۱۴۱ ۴-۱-۴-۲-۳ ادله حرمت سوءظن
- ۱۴۱ ۴-۱-۴-۲-۴ ادله دفع منکر
- ۱۴۲ ۴-۱-۵ امکان پاسخگویی
- ۱۴۲ ۴-۱-۵-۱ مستند راهکار امکان پاسخگویی
- ۱۴۵ ۴-۲ شرایط اعاده حیثیت
- ۱۴۵ ۴-۲-۱ مرور زمان خاص
- ۱۴۷ ۴-۲-۲ توبه
- ۱۵۲ ۴-۲-۲-۱ اعمال توبه در قانون مجازات اسلامی
- ۱۵۳ ۴-۲-۳ زنده بودن شخص مجرم
- ۱۵۴ ۴-۲-۳-۱ ثبوت شخصیت حقوقی میت
- ۱۵۶ ۴-۲-۴ ایفای تعهدات مالی ناشی از جرم
- ۱۵۷ ۴-۳ دلایل اعاده حیثیت به مجرم

۱۶۲۴-۳-۱. احقاق حق
۱۶۲۴-۳-۱-۱. اعاده حیثیت و ترمیم آبروی مجرم حق اوست
۱۶۳۴-۳-۱-۲. مسئولیت حکومت حمایت از این حق است
۱۶۴۴-۳-۲. مقصود شارع از مجازات
۱۷۰۴-۳-۳. ضوابط اجرای مجازات‌های اسلامی
۱۷۰۴-۳-۳-۱. ضرورت خودداری از زیاده‌روی در اجرای مجازات
۱۷۰۴-۳-۳-۲. اصل لزوم تناسب جرم و مجازات
۱۷۲۴-۳-۳-۳. اصل عدم تسری در مورد مجرمان
۱۷۶۴-۳-۴. عوامل مانع از اجرای مجازات
۱۷۶۴-۳-۴-۱. مانع مجازات مانع از لوازم آن نیز هست
۱۸۱۴-۳-۵. مسئولیت حکومت در برابر نیروی انسانی جامعه
۱۸۲۴-۴. آثار اعاده حیثیت به مجرمان
۱۸۲۴-۴-۱. اثر کیفری
۱۸۳۴-۴-۲. اثر مدنی
۱۸۳۴-۵. راه‌های اعاده حیثیت به مجرمان
۱۸۴۴-۵-۱. امکان انتخاب شغل مورد علاقه
۱۸۴۴-۵-۲. استمرار حضور در شغل منتخب
۱۸۴۴-۵-۳. اقدامات ترمیمی نسبت به حیثیت مجرم
۱۸۵۴-۶. وظایف حکومت در قبال آبرو و حرمت معنوی مجرمان
۱۸۵۴-۶-۱. طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به مجرمان و خارج ساختن آنها از دسترس
۱۸۶۴-۶-۲. صیانت از مجرم در برابر تعرض زیان دیده از جرم
۱۸۸نتیجه
۱۹۲منابع و مأخذ

مقدمه

۱- تحقیق بیان مساله

انسان آن گونه که در قرآن و معارف اصیل اسلامی، بر پایه زدودن غبار کفر و ضلالت از ذات انسانی، تعریف می‌شود، حیثیتی دارد به ارزش تکریم خداوند سبحان و توصیف آن به فطرت اضافه شده به ذات باری تعالی شاهد این دو ارزش بی‌نظیر انسان، در میان مخلوقات، آیات تکریم و فطرت در قرآن کریم است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً»^۱ به تحقیق نسل آدم را تکریم کردیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌هایی) سوار کردیم و به آنها از پاکیزه‌ها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری ویژه بخشیدیم. یا در آیه دیگر چنین می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ روی خود را بر دین، بدون هیچ آلاشی راست گردان؛ همان فطرت که خداوند مردم را بر آن آفرید. هیچ دگرگونی‌ای در آفرینش خداوند نیست. این است دین استوار؛ ولی بیشتر مردم آگاه نیستند. تاکید فراوان بر حفظ و حراست حیثیت انسانی افراد جامعه ایمانی، روایت‌های بسیار متعدد و متنوع در موضوعات مختلف فقهی - اخلاقی مانند غیبت، تهمت، انفاق، حفظ آبروی افراد، مروت عرفی و شرعی، حیا و عزت نفس، همگی در جهت همان اصل قرآنی به منظور تکریم حیثیت ذاتی انسان قابل درک و درج است. بنابراین حیثیت ارزشمند انسان از دیدگاه قرآن، ثبوتاً یک واقعیت است که شامل افراد متهم یا مجرم شود زیرا بعد از رفع اتهام یا پایان

۱ اسراء، ۷۰

۲ روم، ۳۰

مرحله مجازات نقصی به حیثیت آنان وارد می‌شود. بنابراین باید تدابیری اندیشید تا این نقص جبران گردد و امکان حضور دوباره این افراد در نقش اجتماعی‌شان فراهم آید. به همین سبب پرداختن به این تدابیر کار بسیار ضروری است تا زمینه بدفهمی و برداشت نادرست از منابع دین و قانون را برطرف سازد.

اعاده حیثیتی که موضوع رساله حاضر است از یک جهت تعمیم دارد و اختصاص به مجرمان ندارد و از جهت دیگر خاص است و مختص حوزه کیفری است. دلیل تعمیم آن است که رسیدگی قضایی صرفاً نسبت به مجرمان متضمن محرومیت و ایراد نقص به حیثیت و حرمت معنوی نیست بلکه در مورد متهمان و محکومان به اشتباه نیز این امر بررسی شدنی است. دلیل تخصیص به حوزه کیفری نیز آن است که در غیر امور کیفری (برای مثال در رسیدگی قضایی در امور مدنی) نقص به آبرو و حیثیت وارد نمی‌شود. و به این نکته نظر داشته‌ایم که موضوع اعاده حیثیت زایل شده اختصاص به مجرمان ندارد، بلکه بر متهمان تبریئه شده و نیز محکومانی که به اشتباه محکوم گردیده یا حتی به اشتباه مجازات شده‌اند نیز این عنوان صادق است، هرچند عنوان مجرم بر این اشخاص صدق نمی‌کند. همچنین خواهیم گفت متهمی که نهایتاً حکم برائت او صادر شده نفس رسیدگی قضایی متضمن آسیب به حرمت و حیثیت اوست و در مورد محکوم به اشتباه نیز صدور حکم ناروا همین پیامد را در حق وی داشته است؛ همچنین ارائه راهکارهای جدید و وظایف حکومت نسبت به این افشاربیاں گردیده است.

۲. سوال های تحقیق

باتوجه به مطالب مذکور در بیان مساله درصدد پاسخگویی به سوالات ذیل هستیم:

۲-۱. سؤال اصلی

مبانی فقهی و حقوقی اعاده حیثیت چیست؟

۲-۲. سؤال های فرعی

۱. اعاده حیثیت چگونه باموازیین شرع مقدس انطباق دارد؟

۲. آیا نهاد اعاده حیثیت در قوانین جمهوری اسلامی ایران با مبانی فقهی سازگاری دارد؟

۳. نحوه انطباق نهاد اعاده حیثیت در قوانین جمهوری اسلامی باموازین فقهی چگونه است؟

۴. خسارات معنوی ناشی از دعاوی کیفری چگونه با اعاده حیثیت قابل جبران است؟

۵. آثار اعاده حیثیت در حقوق موضوعه ایران کدام است؟

۳. فرضیه (ها):

۳-۱. فرضیه سوال اصلی:

مبنای فقهی حقوقی اعاده حیثیت تاکید شرع و مقررات حقوقی بر حفظ و حرمت حیثیت

و آبروی افراد است.

۳-۲. فرضیه سوال های فرعی

۱. با توجه به عقلایی و منطقی بودن اعاده حیثیت می توان گفت: باموازین شرع مقدس

اسلام منطبق است.

۲. اعاده حیثیت به نحو منعکس در حقوق جزای عرفی در قوانین فعلی ایران به طور نسبی

پذیرفته شده است.

۳. در همه موارد رعایت تناسب و سنخیت کامل بین جرم ارتكابی و محرومیت از حقوق

اجتماعی در مقررات جدید کیفری صورت نگرفته است.

۴. در فقه و حقوق نهادهایی برای جبران خسارت معنوی وجود دارد.

۵. محکومیت کیفری در صورتی که قطعی و موثر باشد آثار و تبعات خاصی را به جای می

گذارد.

۴. ضرورت انجام تحقیق:

موضوع حرمت و حیثیت معنوی افراد در شرع مقدس اسلام بسیار با اهمیت است

و در روایات، بسیار بدان پرداخته شده است؛ ولی مسئله اعاده حیثیت به معنای مصطلح آن در مباحث

فقهی انعکاس نیافته است که تحقیق و رسیدگی به این موضوع با عنایت به اینکه سابقه مدونی

در فقه ندارد لازم و ضروری می باشد.

۵. پیشینه مساله و تحقیق:

در خصوص موضوع اعاده حیثیت مقالات پراکنده‌ای در زمان حاکمیت قانون مجازات عمومی در مجلات حقوقی به چاپ رسیده است و چندین پایان‌نامه کارشناسی ارشد در این مورد تحریر یافته است که عمدتاً به بیان قوانین گذشته و تشریح مواد قانون مجازات عمومی سابق بوده است و به مبانی فقهی آن توجه نشده و یا صرفاً به مجازات‌های تبعی در فقه امامیه پرداخت شده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(۱) اعاده حیثیت در نظام حقوقی ایران نوشته آقای علی ملکی به راهنمایی دکتر آخوندی دانشگاه قم ۱۳۸۱

(۲) بررسی تطبیقی اعاده حیثیت در حقوق ایران و فرانسه نوشته آقای مهدی احمدی موسوی به راهنمایی دکتر محمد آشوری مجتمعه آموزش عالی قم ۱۳۸۱

(۳) بررسی اعاده حیثیت در امور کیفری در فقه و حقوق موضوعه نوشته آقای علی مختاری دانشگاه پیام نور مشهد ۱۳۸۸.

(۴) اعاده حیثیت در فقه امامیه و بررسی تحولات آن در حقوق کیفری ایران نوشته آقای مسعود شیخ حسنی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری ۱۳۸۸.

(۵) اعاده حیثیت در حقوق جزای ایران نوشته آقای عزت خورشیدوند به راهنمایی دکتر رضا نور بها دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۰

هرچند که پایان‌نامه‌های مختلفی در خصوص موضوع به رشته تحریر در آمده است اما از آنجا که قوانین و مقررات در نظام جمهوری اسلامی ایران که مقررات جزایی نیز از آن جمله‌اند مبتنی و نشأت گرفته از اصول و مبانی فقه اسلامی علی‌الخصوص فقه امامیه می‌باشد و مراجعه به آنها برخی از مشکلات قضایی را قابل حل می‌کند انصاف این است که در متون حقوقی اسلام به خصوص فقه پر بار امامیه قواعدی وجود دارد که توجه به آنها و اهتمام به کاربردی نمودن آن در روبه جاری نظام قضایی ما می‌تواند بسیاری از مشکلات را رفع کند لذا بر آن شدم تا چگونگی وجود نهاد اعاده حیثیت را با توجه به ابعاد تربیتی و اصلاحی محکومین در منابع فقه اسلام (آیات

و روایات) و بخصوص از منظر فقه امامیه (متون فقهی) بررسی نمایم تا ضمن تشریح وضعیت این نهاد حقوقی، جایگاه آن در ادله فقه امامیه مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد و صرفاً به مباحث مطروحه در سایر پایان‌نامه‌ها اکتفا نشود.

از طرفی در سال‌های اخیر منبع قابل اعتنایی که بتواند محور مطالعه قرار گیرد یافت نمی‌شود و بحث در خصوص اعاده حیثیت مجرمین غالباً در کتب فقهی با این وصفی که مدنظر ماست مطرح نشده است و هیچ‌گونه مطالعه و تحقیقی در این خصوص که به مبانی فقهی آن پرداخته باشد وجود ندارد.

۶. اهداف و کاربردهای تحقیق:

بطور کلی در برگزیدن عنوان تأسیس حقوقی اعاده حیثیت با توجه به اهداف یک سیاست جنایی مناسب که هدف اصلی آن اصلاح مجرمین و بازگرداندن آنان به زندگی شرافتمندانه است هدف‌های زیر منظور بوده است:

(۱) شناساندن مبانی علمی و عقلی و دینی نهاد اعاده حیثیت و بیان ادله وجودی آن در حقوق اسلام و بالخصوص فقه امامیه.

(۲) تلاش در جهت برگشت بیشتر مجرمین به جامعه و باز اجتماعی شدن مجدد آنان.

(۳) جلب توجه مقنن به محاسن و کارکردهای مثبت نهاد اعاده حیثیت در جامعه

۷. روش تحقیق

تحقیق در این پایان‌نامه با مراجعه به کتابخانه و استفاده از کتاب‌های مربوط به موضوع با اولویت کتاب‌های مرجع صورت گرفته است. همچنین با توجه به این که امروزه نرم‌افزارهای جامع علوم قرآنی، روایی، فقهی و حقوقی گردآوری شده است. از این نرم‌افزارها هم در جهت تبیین بهتر مباحث استفاده شده است. و علاوه بر آن از مقالات علمی، پژوهشی در سایت‌ها و وبلاگ‌های مختلف با ذکر منبع و مأخذ آن استفاده شده است.

۸. ساماندهی تحقیق:

از آن جایی که به رسم معمول فهم دقیق موضوع نیاز به مفهوم‌شناسی دقیق واژگان کلیدی و هم‌چنین واژگان مرتبط و پیشینه تحقیق می باشد، بر این اساس فصل اول، برای انجام این مهم با عنوان کلیات در دو مبحث واژه‌شناسی و پیشینه اختصاص داده شد. سپس در فصول بعدی وارد مباحث اصلی تحقیق شدیم و لذا در فصل دوم به مستندات و ادله لزوم اعاده حیثیت با رویکرد فقهی پرداختیم. در فصل سوم نیز مبحث اعاده حیثیت خاص و مبانی فقهی، حقوقی آن مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت در فصل چهارم راهکارهای اعاده حیثیت به متهمان و محکومان و نقش حکومت در رسیدگی به این امور مورد اشاره قرار گرفت.

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱. واژه شناسی

مطالب این مبحث در ضمن بررسی چندواژگان اصلی و مرتبط کلیدی در فهم موضوع و تحلیل مسئله مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱-۱. معنای لغوی اعاده حیثیت

اعاده حیثیت مرکب از دو کلمه اعاده و حیثیت می باشد، اعاده به کسر همزه لغتی عربی است که ریشه آن عدد می باشد که به باب افعال رفته و به معنای بازگرداندن، از سر گرفتن، دوباره سخن گفتن است.^۱ در فرهنگ معین آمده است بازگفتن، بازگردانیدن (چیزی را به جای خود) باز آوردن، اسم مصدر آن برگشت است^۲ در فرهنگ دهخدا عبارت است از اعاده وضع، ترمیم و اعاده اعتبار کردن - بازگرداندن، چیزی را جای خود بازگردانیدن اعاده چیزی به جایی، باز بردن چیزی را، اعاده سخن و تکرار آن لفظ مذکور در عربی با صرف تا است (اعاده) و در فارسی با تا (اعادت) و باها ملفوظ (اعاده) و باها زاید هر سه استعمال می شود.^۳ در جایی دیگر تعریف شده: اعاده وضع، ترمیم، اعاده اعتبار کردن.^۴ و معادل انگلیسی آن (rehabilitation) که به معنای بازگرداندن اهلیت یا وضعیت به شی یا شخص است. یا اینکه اعاده هرچیز پس از آن است که آن

۱ حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۱۶۳.

۲ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۳ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۱۲۱.

۴ محمدرمضانی نوری. فرهنگ حقوقی مدین، قم: انتشارات مدین، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ص ۲۴۰.

چیز تحت تاثیر عواملی زایل شده باشد و تا زوال امری رخ نداده باشد اعاده آن بی‌معناست.^۱ و در نهایت در فرهنگ عربی اعاده به معنای بازگشت، برگرداندن، ارجاع معنی شده است.^۲ اما در خصوص واژه حیثیت که آن نیز مصدر جعلی (حیث) به معنای ۱. وضع و اسلوب ۲. اعتبار و آبرو و جمع آن حیثیات است.^۳ و در جای دیگر بیان شده کلمه عربی است و به (فتح حا و کسرثا و فتح یامشدد) معنای اعتبار و آبرو می‌باشد.^۴ هم چنین تعریف به مکان جا، جهت و حیثیت به معنای وضع، اسلوب نظر، لحاظ، اعتبار جهت و حالت شده است.^۵ در فرهنگ معین به رد کردن حقوق و اعتبارات مجرم که به سبب ارتکاب جرم از او سب شده است تعبیر گردیده.^۶ معادل اعاده حیثیت در زبان عربی رد الاعتبار و الحقوق تاهیل و اصلاح آمده است.^۷

۲-۱-۱. بررسی مفهومی اعاده حیثیت (عرفی - اصطلاحی)

در عرف غیر حقوقی نیز وقتی مردم از اعاده حیثیت صحبت می‌کنند بیشتر به بازگشت آبرو و اعتبار شخص توجه دارد و کمتر به معنای اصطلاحی خاص اعاده حیثیت توجه دارند در واقع در نزد مردم عادی اعاده حیثیت یعنی برگشت آبرو و حیثیت و اعتبار سلب شده از اشخاص و این تعریف با تعریف اصطلاحی عام از اعاده حیثیت نزدیکی بیشتری دارد اما در مجموع تعریف لغوی و اعاده حیثیت بر برگشت آبرو و اعتبارات و حقوق اشخاص تاکید دارند اعم از اینکه مجرم باشد یا غیر مجرم در همین زمینه یکی از اساتید می‌گوید: از لحاظ لغوی حیثیت به معنی آبرو و اعتبار وضع و قرار آمده در عرف و عادت عموم واژه حیثیت مشخص و روشن است و مجموعاً سوابق احترام‌آمیزی که فرد در ارتباط با دیگر افراد در زندگی و کار و کسب کرده است؛ این معنی میان

۱ محمود صابر، اعاده حیثیت، ماهنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره، ۲ آذرماه، ۱۳۸۱ ص ۳۹.

۲ آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشرنی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸.

۳ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۰.

۴ حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳۶۲، ص ۱۶۳.

۵ حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳۶۲، ص ۱۶۳ ص ۵۳۴.

۶ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ص ۳۰۰.

۷ حارث سلیمان الفاروقی، المعجم القانوني، قم: تبيان، ۱۳۸۷، ص ۹۳.

همه طبقات و گروههای مردم باهرفکر و عقیده استعمال دارد در بسیاری موارد به جای حیثیت از واژه شرف استفاده شده است در موازین اسلامی به اعتبار حیثیت و شرف توجه بسیار شده و برای آن مصونیت قطعی قائل گشتند.^۱ مفهوم عرفی اعاده حیثیت در واقع یکی از راههای جبران خسارت معنوی وارد شده به اشخاص است. از طرف دیگر در مواردی نظیر توهین، تهمت، افتراء، قذف و نسبت دادن اعمال خلاف واقع نیز چون حیثیت اشخاص خدشه دار می شود علاوه بر مجازات مرتکب، اعاده حیثیت شاکی یا مدعی خصوصی به نحو مقتضی تا حد ممکن ضروری است که در برخی از مواد قانونی، اعاده حیثیت بدین معنا به کار رفته است مانند اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی که می گوید: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضررمادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. نیز ماده ۹۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می کند: هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی... اکاذیبی را اظهار می نماید...، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.

۳-۱-۱. اعاده حیثیت در اصطلاح حقوقی

اما در معنای خاص، اعاده حیثیت تاسیس حقوقی است که منظور از آن به کارگیری روشهایی است در جهت رفع آثار و تبعات محکومیت کیفری از شخص محکوم علیه نسبت به آینده وی. در این کاربرد اعاده حیثیت در معنای حقوقی و اصطلاحی آن به کار می رود. مفهوم این تاسیس حقوقی برگرداندن حیثیت سلب شده از محکومان است در این مفهوم، منظور از حیثیت اهلیت و صلاحیت قانونی است و هدف از اعاده حیثیت برطرف کردن محرومیتها و ممنوعیتهای اعمال شده به محکوم علیه است. با اعاده حیثیت، محکومیت از سجل کیفری محکوم پاک

۱ سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: بی نا، ص ۱۰۲

می‌شود؛ بنابراین در صورت ارتکاب جرم، مسئله تکرار وجود ندارد و مانعی برای تعلیق اجرای مجازات در صورت وقوع جرم جدید نخواهد بود.

احمد رفعت خفاجی از نویسندگان عرب می‌نویسد: قانون روم بین عفو و بین آنچه به نام بازگرداندن حالت تعبیر می‌نمود، فرق گذاشت، با اینکه هر دو از ولی امر صادر می‌شود. عفو مانع از اجرای مجازات می‌گردد؛ اما بازگرداندن حالت، در صورتی که به صورت کلی صادر شود، به شخص محکوم اعتبارش را با همه حقوق مدنی باز می‌گرداند. گویی حکمی علیه او صادر نشده است. قانون قدیم فرانسه این را تایید کرد که بر اساس دستورهایی که از ناحیه حکومت صادر می‌شود، حال محکوم به وضعیتی که پیش از صدور حکم داشته است، بازگردد.^۱ یکی دیگر از نویسندگان می‌افزاید: در قوانین وضعیه می‌توان اعاده حیثیت را چنین تعریف کرد: محو ساختن آثار جنایی که بر شخص محکوم مترتب می‌گردد که مصادیق آن کاستن از حقوق و آزادی او و نیز محرومیتش از اشتغال به کارهایی معین یا مسافرت یا اعمال برخی حقوق عمومی شمرده می‌شود.^۲ یکی دیگر از نویسندگان نوشته است: معمولاً مجازات یکی از دو شکل مقابله با جرم، در کنار اقدامات احتیاطی به شمار می‌رود. مجازات، کیفرکسی است که مرتکب جرمی شده است. سیاست کیفری از به مجازات رسانیدن مجرمان، اهدافی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آنها بازداشتن عمومی و خصوصی است و سیاست کیفری اهداف تازه‌ای، علاوه بر آنچه ذکر شد، در نظر دارد که مهم‌ترین آنها اصلاح شخص مجرم و معالجه و ترمیم انحرافات است که بر منش و اخلاق او وارد آمده و وی را به ارتکاب جرم و داشته است؛ اما این اصلاح که چونان هدفی برای مجازات در نظر گرفته می‌شود، تا زمانی که آثار مجازات باقی است و شخص مجرم را همراهی می‌کند و راه‌ها را بر روی او می‌بندد، دست یافتنی نیست. اگر با وجود آنکه وی مجازات خود را به پایان برده و رفتار و منش خود را اصلاح کرده است، این آثار همراه او باشد و از بسیاری حقوق مدنی و سیاسی وی را محروم سازد و اعتبار و آبروی او را مخدوش سازد، هدف مزبور (اصلاح و باز پروری مجرم) محقق نخواهد شد. به همین دلیل و به سبب حمایت

۱. احمد رفعت خفاجی، **رد الاعتباری القانون**، بیروت: بی نا، چاپ دوم، ۱۹۹۸ ص ۴۷

۲. عبدالله القرنی، **رد الاعتباری القانون**، مجله رواق العدالة، س ۳، ش ۴، ارد: ۱۹۹۷ م، ص ۱۴۲